



Investigation of Intellectual Property Rights from the Viewpoint of Imamiyah Jurisprudence and the Four Religions

Rahman Gharibi¹, Majid Vaziri^{2*}, Jamshid Masoumi³

1. PhD Student in Shafi'i Jurisprudence, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 521-536

Article history:

Received: 3 Sep 2021

Edition: 5 Oct 2021

Accepted: 1 Nov 2021

Published online: 17 Mar 2022

Keywords:

Intellectual Property, Imami Jurisprudence, Four Religions, Comparative Jurisprudence

Corresponding Author:

Majid Vaziri

Address:

Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-8688-4702

Tel:

09127260389

Email:

dr.majid.vaziri@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The legitimacy of intellectual property from a jurisprudential point of view is a matter of controversy. In this paper, an attempt is made to investigate the viewpoints of Imamiyah jurists and the four religions regarding intellectual property.

Materials and Methods: The present paper is analytical-descriptive and library method is used.

Ethical considerations: In this paper, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The viewpoints of Imamiyah jurists regarding intellectual property are not the same. Some jurists do not recognize intellectual property rights for reasons such as the rule of domination, non-approval by the Shari'a, and conflict with the sanctity and mission of science and some other jurists, citing the rule of prohibition of detriment, manner of the wise and the rule of maintaining the system, and also the rule of dominance, legitimize intellectual property rights. The dissent among jurists of the four religions in this regard are less and they have generally accepted intellectual property based on knowledge, intellectual property, the rule of unspecified public interest and blocking the means.

Conclusion: Intellectual property rights are considered "property" because they do not contradict the Shari'a and are accepted and can be traded from a customary point of view and need to be taken into consideration more than before. Because it is the foundation of the development of knowledge and technology, and the development of society requires its protection.

Cite this article as:

Gharibi R, Vaziri M, Masoumi J. Investigation of Intellectual Property Rights from the Viewpoint of Imamiyah Jurisprudence and the Four Religions. *Economic Jurisprudence Studies* 2021-2022; Review on New Researches of Jurisprudence and Law.



مطالعات فقه اقتصادی

ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق ۱۴۰۰



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ویژه نامه جستارهای نوین فقه و حقوق، ۱۴۰۰

بررسی حقوق مالکیت فکری از دیدگاه فقه امامیه و مذاهب چهارگانه

رحمن غریبی^۱، مجید وزیری^{۲*}، جمشید معصومی^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه شافعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مشروعیت مالکیت فکری از منظر فقهی از موضوعات محل اختلاف نظر است. در این مقاله تلاش شده به بررسی دیدگاه فقهای امامیه و مذاهب چهارگانه در خصوص مالکیت فکری پرداخته شود.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. **یافته‌ها:** دیدگاه فقهای امامیه درخصوص مالکیت فکری یکسان و واحد نیست. برخی فقها با استناد به دلایلی چون قاعده سلطه، عدم تجویز از سوی شرع و تعارض با قداست و رسالت علم، حقوق مالکیت فکری را به رسمیت نمی‌شناسند و برخی دیگر از فقها با استناد به قاعده لاضرر، بنای عقلا و قاعده حفظ نظام و اتفاقاً قاعده سلطنت حقوق مالکیت فکری را مشروع می‌دانند. میان فقهای مذاهب چهارگانه نیز در این خصوص اختلاف نظر وجود دارد، با این حال عموماً براساس مال دانستن حقوق فکری و قاعده مصالح مرسله مالکیت فکری را پذیرفته‌اند.

نتیجه: حقوق مالکیت فکری از آنجا که مغایرتی با شرع نداشته و از دیدگاه عرف پذیرفته شده و قابل خرید و فروش است، «مال» تلقی شده و لازم است بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا زیربنای توسعه دانش و فناوری است و توسعه جامعه مستلزم حمایت از آن است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳۶-۵۲۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

واژگان کلیدی:

مالکیت فکری، فقه امامیه، مذاهب چهارگانه، فقه تطبیقی.

نویسنده مسوول:

مجید وزیری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

تلفن:

۰۹۱۲۷۲۶۰۳۸۹

کد ارکید:

0000-0002-8688-4702

پست الکترونیک:

dr.majid.vaziri@gmail.com

۱. مقدمه

مالکیت فکری یا مالکیت معنوی، مجموعه‌ای از امتیازها و مصونیت‌ها و توانایی‌ها است که پدیدآورنده آفرینش فکری درباره امر غیرمادی و غیرملموس دارد. مالکیت فکری در جهان امروز بخش مهمی از اموال را تشکیل می‌دهد و از جهات مختلفی اهمیت دارد. به لحاظ اجتماعی اثر مالکیت فکری در توسعه دانش و تأمین رفاه تعیین‌کننده است. به لحاظ اقتصادی بخش مهمی از منابع مالی را شکل می‌دهد. پذیرش نظام مالکیت فکری در جهت منافع پدیدآورنده است؛ زیرا وی می‌تواند از منافع اقتصادی تولید خود بهره کامل ببرد. این نظام همچنین متناسب با خواست و نیاز مصرف‌کننده نیز می‌باشد؛ زیرا تولیدکنندگان و کنشگران محیط علمی برای کسب سود، خواست مصرف‌کننده را مورد توجه قرار می‌دهند. این امر در جهت مصالح عمومی نیز هست؛ زیرا می‌تواند جریان تولید علم را شتاب دهد. با این حال همواره بحث‌های مالکیت فکری در کشورهای اسلامی مطرح بوده است. با توجه به نقش تعیین‌کننده فقه در نظام حقوقی، شناخت رویکرد فقه در خصوص جایگاه و ماهیت مالکیت فکری اهمیتی ویژه دارد. در همین حال به دلیل ناچیز بودن تولید علم و فناوری چندان مورد استقبال قرار نگرفته است. البته تألیفات متعددی در زمینه حقوق مالکیت فکری انجام شده است: علی‌اکبر ایزدی فرد و احمدعلی محسن‌زاده، در مقاله‌ای به بررسی انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی - هنری در فقه امامیه و حقوق ایران پرداخته‌اند (ایزدی فرد و

محسن‌زاده، ۱۳۹۳). مختار مهرابی، نیز در مقاله‌ای از ماهیت حقوق مالکیت فکری و نقش آن در حقوق اموال بحث کرده است (مهرابی، ۱۳۹۵). همچنین زهرا شاکری و یاسمن جعفرپور، چالش‌های حقوق مالکیت فکری برای حمایت از آثار هنری در موزه‌های معاصر را مورد بررسی قرار داده‌اند (شاکری و جعفرپور، ۱۳۹۹). بحث مالکیت فکری در فقه مذاهب چهارگانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و نوآوری مقاله حاضر نیز بررسی مالکیت فکری با رویکردی به مذاهب چهارگانه است. در مقاله پیش‌رو تلاش شده به این مهم پرداخته شود که رویکرد فقه امامیه و مذاهب چهارگانه نسبت به حقوق مالکیت فکری چگونه است؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «در بین فقهای امامیه درخصوص پذیرش مالکیت فکری اختلاف - نظر وجود دارد. همچنین فقهای مذاهب چهارگانه نیز دیدگاه یکسانی نسبت به مالکیت فکری ندارند اما دیدگاه غالب آنها پذیرش مالکیت فکری است». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، ابتدا به مفهوم مال و مالکیت فکری پرداخته شده و در ادامه از دیدگاه فقهای امامیه و فقهای چهارگانه اهل تسنن بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

دیدگاه فقه‌های امامیه درخصوص مالکیت فکری یکسان و واحد نیست. برخی فقها با استناد به دلایلی چون قاعده سلطه، عدم تجویز از سوی شرع و تعارض با قداست و رسالت علم (این دو از دلایل فقه‌های اهل سنت است نه امامیه)، حقوق مالکیت فکری را به رسمیت نمی‌شناسند و برخی دیگر از فقها با استناد به قاعده لاضرر، بنای عقلا و قاعده حفظ نظام و اتفاقاً قاعده سلطنت حقوق مالکیت فکری را مشروع می‌دانند (مظفر، ۱۳۷۰، ۲، ۱۷۱؛ فیض، ۱۳۷۴، ۲۰۳؛ حکیم، ۱۴۱۸، ۱۹۸-۱۹۷) و عموماً براساس مال دانستن حقوق فکری و قاعده مصالح مرسله مالکیت فکری را پذیرفته‌اند.

۵. بحث

۵-۱. مال و مالکیت فکری

در لغت مال به معنای آنچه در اختیار انسان است، تعریف می‌شود (معین، ۱۳۹۰، ۳، ۳۷۰۸). مال عبارت است از چیزی که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول بوده و ارزش مبادله را دارا باشد. «مال چیزی است که مورد رغبت عقلا و تقاضای آنان باشد و در قبال آن ثمن و بهایی بپردازند» (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ۳۷). مال در اصطلاح عبارت است از چیزی که ارزش مبادلاتی داشته باشد. اصولاً مالکیت هر شیء در گرو نافع بودن آن

است و عینیت در آن شرط نیست. پس معیار مالکیت آن است که عقلا در برابر آن عوض قرار دهند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ۵۹۹). از نظر حقوقی مال به چیزی گفته می‌شود که کاربردی بوده و بتواند نیازی را برآورده سازد و قابل اختصاص یافتن به شخص یا محل معین باشد. اشیایی مانند دریا‌های آزاد، هوا و خورشید از ضروری‌ترین وسایل زندگی است؛ ولی چون هیچ‌کس نمی‌تواند نسبت به آن ادعای مالکیت انحصاری کند، مال محسوب نمی‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۹). بنابر آنچه گفته شد، می‌توان چنین گفت که در فقه و حقوق هرچه دارای منفعت عقلایی است، ارزشمند است و در عرف مالیت دارد و دارای ارزش است (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۰-۹).

مالکیت، مصدر جعلی یا اسم مصدر به معنای مالک بودن است. این واژه هم در معنای حق مالکیت و تصرف و هم به معنای «مال و شیئی ای که مالکیت به آن تعلق می‌گیرد؛ است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۹۹۵). ملک در فقه به معنای سلطه و سلطنت قانونی است (یزدی، ۱۳۷۸، ۲، ۵۴). و در حقیقت اعتباری است عقلایی، عقلا چیزی را که در دست کسی قرار دارد و متعلق به اوست علاقه‌ای بین او و چیزی که در اختیار وی است اعتبار می‌کنند که این رابطه منشأ تسلط وی بر آن چیز می‌باشد، برخی از فقها حق سلطنت را یکی از احکام ملکیت می‌دانند (امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱، ۲۵). واژه فکر، یا اسم به معنای «اندیشیده است که جمع آن افکار است و با مصدر به معنای «اندیشیدن و تأمل» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۷۹۹). حقوق مالکیت معنوی در

۵-۲-۱. ادله مخالفان

در این قسمت تلاش شده به بررسی دیدگاه فقهای مخالف مالکیت فکری پرداخته شود. مهم‌ترین دلیل مخالفان عبارت است از:

۵-۲-۱-۱. تعارض حقوق مالکیت فکری با

قاعده سلطنت

برخی فقها، پیدایش هرگونه حق انحصاری در استفاده آثار فکری را برای پدیدآورندگان آن مخالف قاعده سلطنت دانسته و معتقدند آنچه نزد بعضی حق طبع نامیده می‌شود، حق شرعی نیست و سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون هیچ‌گونه عقد و شرطی جایز نیست. بنابراین، «مجرد چاپ، کتاب و نوشتن عبارت حق چاپ برای صاحب آن محفوظ است، چیزی را موجب نمی‌شود و توافق با غیر محسوب نمی‌گردد. پس برای غیر او چاپ جایز می‌باشد و بر هیچ‌کس جایز نیست که او را از آن منع نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲، ۹۹۱-۹۹۳). بر این اساس، حق مؤلف به صرف درج عبارت «حق چاپ محفوظ» حقی برای پدیدآورنده ایجاد نمی‌کند (عربیان، ۱۳۸۲، ۱۹۸).

بعضی شارحان نظریه فوق، آن را این‌گونه بسط داده‌اند: «دلیلی بر ثبوت این حق از جانب شارع نداریم و نیز مسئله از موضوعات ارتکازی عقلا نیست تا شارع آن را امضا کند؛ زیرا عقلا با ارتکازشان این مسئله را تأیید نمی‌کنند که ناشر تنها به دلیل چاپ کتاب، افزون بر کتاب بیرونی که موجود است و ملک او شمرده می‌شود، حق دیگری داشته باشد. چنان‌که عقلاء بازداشتن مردم را از

معنای وسیع کلمه، حقوق ناشی از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های فکری در زمینه‌های علمی، صنعتی، ادبی و هنری است (میرحسینی، ۱۳۸۵). اموال به دو دسته اموال مادی و اموال غیرمادی تقسیم می‌شود. اموال مادی وجود عینی دارد اما اموال غیرمادی مانند حق اختراع وجود عینی ندارد (امامی، ۱۳۷۸، ۱۹). مالکیت معنوی دارای انواع مختلفی است. حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی یا هنری یا مالکیت ادبی و هنری معروف به حق مؤلف یا حق تکثیر، حق اختراع، حقوق بر مشتری مانند سرقتی حتی تاجران و صنعتگران نسبت به نام، علائم تجارتي و صنعتی و اسرار تجاری معروف به مالکیت تجارتي و صنعتی از انواع مالکیت‌های فکری است (صفایی، ۱۳۸۲، ۲۲۷). در کل مالکیت‌های فکری به معنای انواع مالکیت و سلطه تام بر آثار فکری برای پدیدآورنده اثر فکری است. به لحاظ حقوقی، اصطلاح مالکیت‌های فکری اشاره به حقوق و امتیازهای ویژه‌ای نسبت به موضوع‌های فکری دارد.

۵-۲. دیدگاه فقهای امامیه درخصوص حقوق

مالکیت فکری

در میان فقها امامیه درخصوص مالکیت فکری اختلاف نظر وجود دارد. به همین دلیل در دو قسمت دیدگاه مخالفان و دیدگاه موافقان بررسی می‌شود.

حق تقلید و اقتباس نمی‌پذیرند: زیرا انسان بنابر حقیقت و فطرتش در تمامی اشیا، اعمال، اختراعات و صناعاتش تقلید می‌کند. عقلاء تقلید از صنایع و استفاده از ثمرات فکری و اعمال گذشتگان را هرگز تصرف در حقوق مردم نمی‌شمارند تا برای این تصرفات ناگزیر از اجازه ایشان شوند. چاپ کتاب نیز از این سیره عقلایی جدا نیست» (مطهری، ۱۴۰۳، ۱۸۹-۱۸۶). علاوه بر این، امام خمینی (ره) مالکیت فکری را نوعی حصر تجارت دانسته و در مورد مسئله حصر تجارت نیز فرموده‌اند: «آنچه معمول است از حصر تجارت در چیزی یا چیزهایی به موسسه‌ای و مانند این‌ها شرعاً اثری ندارد و جلوگیری دیگری از تجارت و صنعت که حلال است و حصر آن‌ها در اشخاص جایز نیست» (موسوی خمینی، ۱۴۰۸، ۵۹۶). ایشان هیچ انحصاری را در مالکیت ادبی، هنری و تجاری و شرعی نمی‌دانند و معتقدند که همه می‌توانند از نتایج اندیشه‌های علمی و هنری دیگران بهره ببرند. اما به نظر می‌رسد اشکالاتی به دیدگاه مورد اشاره وارد است؛ از جمله اینکه؛ همان‌طور که خیار عیب به منزله شرط است و برای کسی که مال معیوب نصیبش شده، ایجاد حق می‌کند، چگونه و چرا نوشتن جمله «حق طبع برای مؤلف محفوظ است» نمی‌تواند شرط تلقی شده و ایجاد حق نماید؟! پس می‌توان این‌گونه جملات را شرطی از طرف مالک دانست که پذیرفتنش از طرف مشتری، برای مالکی ایجاد حق می‌کند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷، ۳۷۰). از طرفی همان‌طور که فقها کار بر روی اشیای مادی را موجب ملکیت می‌دانند (الشرتونی، ۱۹۹۲، ۲،

۱۲۵۲؛ فیروزآبادی، ۱۹۹۹، ۳، ۶۱۸)، می‌توان کار بر روی امور معنوی و فکری را نیز موجب ملکیت دانست. قاعده سلطنت اتفاقاً دلیلی بر پذیرش حقوق مالکیت فکری است؛ زیرا مطابق آن کسی حق دخل و تصرف در اموال دیگران را ندارد. قاعده سلطنت به جای آن که دلیل بر عدم مشروعیت حق تألیف باشد دلیل بر مشروعیت آن است، چرا که پس از اثبات مالیت حقوق مالکیت معنوی، صاحب اثر به موجب قاعده تسلیط بر مال خود حق تصرف دارد و می‌تواند دیگران را از تقلید و نشر و هر نوع تصرف دیگر باز دارد، جلوگیری صاحب تولید فکری از تصرف در تولید خود که مال محسوب می‌شود جلوگیری از تصرف صاحب مال در مال خویش است که برخلاف قاعده تسلیط است، و قاعده مزبور نافی حق بودن حقوق یاد شده نیست.

۵-۲-۱-۲. عدم اعتبار از سوی شارع

برخی از فقیهان با این استدلال که حقوق مالکیت فکری از طرف شارع امضا و اعتبار نشده است، مخالف شرعی بودن چنین حقوقی می‌باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ۳۴). در نقد نظر مذکور در فوق می‌توان گفت که اولاً، اسلام برای آموخته‌های انسان و چیزهای غیرمادی ارزش مالی قائل بوده است. برخی از فقها اعمال آموزشی را قابل برای مهریه قرار گرفتن می‌دانند. سید مرتضی می‌گوید: «امامیه معتقد است که مانعی ندارد مهر زن، آموختن مقداری از قرآن باشد» (علم الهدی، ۱۴۱۵، ۲۹۱). و همچنین در خلاف شیخ طوسی

۵-۲-۲. دیدگاه موافقان حقوق مالکیت فکری

در این قسمت به بررسی دیدگاه موافقان حقوق مالکیت فکری پرداخته می‌شود. دیدگاه موافقان حقوق مالکیت فکری عبارت است از:

۵-۲-۲-۱. بنای عقلا

یکی از ادله‌ای که برای مشروعیت حقوق مالکیت فکری ذکر شده است، بنای عقلا است. بنای عقلا عبارت است از استمرار عمل و روش توده عقلا در محاورات، معاملات و سایر روابط اجتماعی بدون توجه و در نظر گرفتن کیش، آیین و ملت‌ها، به دیگر سخن مراد از بنای عقلا همان استمرار عمل عقلا است (مظفر، ۱۳۷۰، ۲، ۱۷۱؛ فیض، ۱۳۷۴، ۲۰۳؛ حکیم، ۱۴۱۸، ۱۹۷-۱۹۸). روش و عملی که همیشگی و همه‌جایی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ۱۱۴). اگر به عقل سلیم مراجعه نماییم درخواستیم یافت که فطرت و وجدان وجود مالکیت را امری انکارناپذیر می‌داند (صدر، ۱۴۰۲، ۴۳۳). بنابراین مالکیت ریشه فطری دارد و عقلا براساس انگیزه عقلایی آن را اعتبار می‌کنند. در مورد حقوق فکری و معنوی نیز سیره عقلا بر این بوده که برای آن‌ها ارزش و اعتبار قائل شده‌اند. امروز در تمام جوامع عقلایی و نظام‌های حقوقی دنیا این مسئله جزء حقوقی است که برای آن ارزش قائل هستند و مختص به ذی‌حق است به‌طوری که کسی غیر او حق استفاده از آن را ندارد و اگر کسی از این حق بدون اجازه وی استفاده کند هم از نظر عرف، عمل خلاف و ناپسند انجام داده و هم از لحاظ جزایی قابل تعقیب است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱،

آمده: «جایز است که منافع انسان آزاد مثل آموختن آیه‌ای یا شعر مباح یا اخباری مهر قرار داده شود» (طوسی، ۱۴۱۵، ۴، ۳۶۶).

در نقد دیدگاه فوق باید گفت که گسترش آفریده‌های فکری و نقش حساس آن‌ها در توسعه فرهنگ و تمدن و اقتصاد بشری موجب شده است که قانون‌گذاران نسبت به حقوق معنوی صاحبان آثار فکری و تولیدات سمعی و بصری، بی‌تفاوت نباشند. وانگهی مستحدث بودن بعضی حقوق، نافی مشروعیت آن‌ها نیست (یزدانی، ۱۳۸۱، ۵۴-۳۷). از طرفی شرایط زمان و مکان یک موضوع می‌تواند بر حکمی که روی آن موضوع می‌آید تأثیر بگذارد. شاید در زمان صدر اسلام چنین آثار معنوی و فکری، فاقد منفعت عقلایی بوده‌اند و به عبارت دیگر بهره‌برداری مالی از آن‌ها ممکن نبوده است و همین سبب شده بوده که شارع به آن‌ها توجهی نکند. اما در این دوران که منافع عقلایی بسیاری بر این آثار بار شده و بهره‌برداری‌های مالی از آن‌ها می‌شود، بعید است که بگوییم شارع نسبت به مالکیت معنوی سکوت کرده است؟ به عبارتی گرچه در زمان شارع اختراع و ابتکار وجود داشت و در عین حال حقوق مالکیت فکری مطرح نبود، اما این امر مانعی برای به رسمیت شناختن این حقوق در زمان ما محسوب نمی‌شود. در قدیم آثار فکری و فرهنگی، نشر و گستره محدودی داشت و پدیدآورندگان توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود نداشتند. از این رو، حمایت قانونی از این گونه آثار چندان ضروری نمی‌نمود ولی در جهان امروز وضع به کلی دگرگون شده است.

جدید که از جمله مصالح مسلمانان است، کمک می‌کند.

۵-۲-۲-۲. قاعده تسلیط

این دلیل به‌عنوان یکی از ادله عدم مشروعیت مالکیت معنوی بیان گردید، اما بعضی همین دلیل را برای اثبات مالکیت معنوی بکار برده‌اند. با توجه به اینکه حقوق فکری مالکیت دارد، برخی فقیهان به استناد قاعده سلطه تصرف دیگران در آن‌ها را منوط به اذن صاحب آن می‌دانند. برخی از فقها بر این باورند: «هرکس چیزی تألیف کند، آن تألیف نتیجه کار فکری و اندیشه وی بوده و بنابراین، مالک و صاحب آن است و حق دارد دیگران را از هرگونه دخل و تصرفی در آن باز دارد؛ زیرا مردم شرعاً و عرفاً بر اموال خویش مسلط هستند. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیلی بر حرمت انتفاع و تصرفات معنوی مانند مطالعه و استناد به آن وجود ندارد. آنچه جایز نیست نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در این صورت می‌تواند مطالبه حق کند (حسینی روحانی، ۱۳۸۵، ۲، ۹۷-۴۳). براساس این دیدگاه: «مالکیت حقوقی عبارت است از احاطه و سلطنت کسی بر چیزی که این قسم امری است که عقلاً آن را برحسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعتبار کرده‌اند. لذا هرکس هر چیزی را تألیف می‌کند، چون نتیجه کار فکری اوست، مالک و صاحب آن می‌شود. البته مالکیت او مطلق نیست و دلیل بر حرمت امتناع و تصرفات معنوی وجود ندارد. آنچه جایز نیست، نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف است که در

(۲۱۱). از دیدگاه فاضل لنکرانی: «گرچه حضرت امام خمینی اعتبار شرعی این حقوق را نفی نموده‌اند، لکن به نظر قاصر می‌رسد که حقوقی را که از نظر عقلاً حق شناخته می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌کنند، تا دلیل شرعی بر نفی حق بودن آن‌ها قائم نشده، نمی‌توان آن‌ها را نفی کرد و از ترتب آثار آن‌ها جلوگیری نمود و ادله‌ای مانند "الناس مسلطون علی اموالهم" نمی‌تواند نافی حق بودن آن‌ها باشد. همان‌طور که در باب ملکیت لازم نیست دلیل بر ثبوت آن قائم شود، بلکه عدم وجود دلیل بر عدم ملکیت کافی است» (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۱، ۲۰۷). برخی فقهای شیعه نیز با تمسک به دلیل عقل به‌عنوان منبع استنباط احکام کوشیده‌اند مشروعیت حق مؤلف را اثبات کنند. به گفته برخی از فقها: «هر نوع عمل که در نظر عرف و عقلاً منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم و شرعاً حرام است» (سبحانی، ۱۳۷۱، ۲۰۷).

براساس آنچه گفته شد براساس بنای عقلاء، حقوق مالکیت فکری حق شرعی است که دلایلی عقلی مانند «ضرورت حفظ نظام جامعه اسلامی و لزوم رفع نیازهای مسلمانان»، اقتضا دارد که نظام حقوق مالکیت فکری پذیرفته شود؛ زیرا حذف این نظام حقوقی موجب ایجاد اختلال در معاش شماری از انسان‌ها، تحقق هرج و مرج، ایجاد عسر و حرج و در معرض خطر قرار گرفتن اموال و اعراض انسان‌ها می‌گردد. به‌علاوه پذیرش نظام حقوق مالکیت آثار فکری به تقویت انگیزه اشخاص در آفرینش آثار

از مرز کشورها فراتر رفته است و به صورت جهانی درآمده است. از این رو، هرگونه تصمیم‌گیری راجع به آن باید با لحاظ ابعاد بین‌المللی صورت گیرد.

۵-۳. دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت نیز درخصوص مالکیت فکری اختلاف نظر دارند. در این قسمت به بررسی دیدگاه مخالفان و موافقان پرداخته می‌شود.

۵-۳-۱. مخالفان

مهم‌ترین دلیل فقهای اهل سنت که با حقوق مالکیت فکری مخالف هستند، ناسازگاری آن با قداست علم است (طوسی، ۱۴۱۵، ۴، ۳۶۶؛ شبیر، ۱۴۱۸، ۵۶). آنها چنین استدلال کرده‌اند که بر رسالت و قداست علم در اسلام بسیار سفارش شده و مشروعیت مالکیت معنوی سبب حصر، انسداد و کتمان علم و محبوس شدن آثار علمی خواهد شد و این کتمان با نص صریح قرآن مخالفت دارد؛ خداوند متعال در آیه ۱۵۹ سوره بقره می‌فرماید: «کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان ساختیم کتمان می‌کنند خدا آن‌ها را لعنت می‌کند و همه لعن‌کنندگان نیز آن‌ها را لعن می‌نمایند». بر این اساس استدلال می‌شود که، معتبر دانستن حق مالکیت فکری، سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم می‌گردد که مورد نهی قرآن کریم قرار گرفته است. همچنین به روایتی از پیامبر اکرم (ص) نیز استناد می‌شود که براساس آن: «هرکس دانشی را بداند و آن را کتمان کند، روز قیامت با

این صورت مؤلف می‌تواند مطالبه حق نماید» (روحانی، ۱۴۲۰، ۲۲۵). بر این اساس، مالکیت فکری همچون مالکیت مادی محترم است و تجاوز به حریم آن جایز نیست و هرکس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است.

۵-۲-۲-۳. قاعده لاضرر

شخصی که اقدام به تألیف کتاب، تولید یک فیلم سینمایی یا ابداع یک اختراع می‌کند، ممکن است متحمل هزینه‌های زیادی شود. اگر اشخاص مجاز به تکثیر اثر فکری، اکران فیلم و یا تولید انبوه اختراع باشند، مستلزم ضرر به پدیدآورندگان این‌گونه آثار خواهد بود که به استاد قاعده لاضرر باید جلوی این عمل گرفته شود. اگرچه در تفسیر قاعده لاضرر اختلاف نظر وجود دارد ولی قاعده مزبور را چه به معنی نفی حکم ضرری (انصاری، ۱۴۱۴، ۳۷۳؛ انصاری، ۱۳۷۵، ۳۷۴؛ توحیدی، ۱۳۶۸، ۳، ۴۰۴)، نهی از اضرار (اصفهانی، ۱۴۱۰، ۲۵)، و یا نقی ضرر غیر متدارک (نراقی، ۱۴۰۸، ۱۸) بگیریم تصرف در چنین حقوقی جابز نبوده و مستلزم اجازه از صاحبان آن‌ها است؛ زیرا در عصر جدید، تولید محصولات فکری نیازمند ممارست و تلاش زیادی بوده و آفریننده‌های فکری بعد از سال‌ها تحقیق و پژوهش و صرف هزینه‌های زیاد موفق به خلق یک اثر و تولید دانش می‌شوند. براساس قاعده لاضرر و لاضرار، بهره‌برداری از نتایج کار مؤلف یا هنرمند و نظایر آن، اضرار به آن‌ها تلقی می‌شود که در شریعت مقدس به صراحت ممنوع شده است. از جهت دیگر امروزه نظام مالکیت فکری

افساری از آتش آورده می‌شود (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۴۹۹).

در پاسخ این استدلال باید گفت در اینکه اسلام برای علم و عالم و ترویج و نشر علم اصالت و قداست و اهمیت بسیاری قائل شده است، شکی نیست اما باید دانست که نتیجه اصلی مشروعیت مالکیت معنوی نیز حفظ همین قداست است. مالکیت معنوی با ایجاد یک حاشیه امن برای پدیدآورنده به رونق و نشر آثار معنوی او که می‌تواند مصداقی برای علم باشد، کمک می‌کند.

از طرفی کتمان علم با کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو چیز کاملاً متفاوت است (حلیمی، ۱۳۸۴، ۷۷)، به عبارت دیگر، «نهی از کتمان علم مستلزم آن نیست که صاحبان آثار علمی از حقوق مادی خود صرف‌نظر کنند یا مردم ملزم به رعایت حقوق آنان نباشند. چنان‌که نهی از احتکار به معنای عرضه رایگان متاع احتکار شده نیست (یزدانی، ۱۳۸۱، ۵۴-۳۷). لازم به ذکر است در آیه ۸۵ سوره اعراف، تأکید شده است که حقوق مردم را ضایع نکنید بنابراین استفاده از آثار فکری بدون اجازه پدیدآورندگان آن مصداق اکل مال به باطل و تضییع حقوق مردم خواهد بود. در واقع، آنچه مورد نهی آیه شریفه ۱۵۹ سوره بقره و روایت مورد اشاره از پیامبر (ص) قرار گرفته است، کتمان علم است نه کسب درآمد از طریق فعالیت‌های علمی. بر این اساس مالکیت معنوی نه تنها با رسالت و قداست علم از نظر اسلام ناسازگار نیست، که سبب حصر و حبس آثار علمی و کتمان علم

نگشته و زمینه کوشش و جهد و شکوفایی علم و دانش را فراهم می‌کند.

۵-۳-۲. موافقان

بیشتر فقهای اهل سنت بر این باورند که منافع نیز مال به حساب می‌آید و مسئله مالکیت معنوی در فقه اهل سنت باید از بعد مال بررسی شود تا ابعاد و زوایای آن روشن شود. هر یک از مذاهب اهل سنت مال را به گونه‌ای توصیف نموده و برای مال بودن ویژگی‌هایی را برشمرده‌اند. در فقه شافعی در تعریف مال آمده است: «مال چیزی است که با آن انتفاع حاصل می‌شود و آن چیز یا عین است یا منافع» (غاوجی، ۱۳۷۶، ۱۶۹). در حقیقت مذهب شافعی مال را اعم از عین و منفعت می‌داند (ایروانی، ۱۳۷۴، ۲۲۱). بر این اساس مال چیزی است که ملک بر آن مترتب است و مالک نسبت به آن سیطره دارد. فقهای حنبلی مال را این‌گونه توصیف نموده‌اند: «مال چیزی است که در شرایط عادی دارای منفعت حلال باشد؛ زیرا در وقت اضطرار هر چیزی حلال می‌شود و چیزهایی که نفعی ندارد؛ مثل حشرات، و یا نفع حرام دارد؛ مثل خمر، و یا هنگام اضطرار مباح می‌شود؛ مانند میته، مال نیست» (الدربینی، ۱۴۰۱، ۲۸-۲۶). فتحی‌الدربینی در میان علمای حنفی پس از تحقیق و بررسی به این نتیجه می‌رسد که حقوق مؤلف در حقیقت نوعی از حقوق مالکیت است و در مقابل این ایراد که چنین مالکیتی دارای تمام حقوق متصور برای مالک (حق استعمار، حق استثمار و حق اخراج از ملک) نیست، چنین می‌گوید:

«مالکیت فی نفسه علاقه اختصاصی یا حکم شرعی است که در مورد عین یا منفعت مقرر شده است. حقوق مالک جزو آثار مالکیت است، نه خود آن. اقتضای مالکیت وجود این حقوق است؛ ولی خود مالکیت به محض تحقق شرایط لازم به وجود می‌آید. مالک حق ارتفاق نیز حق اخراج این حق را ندارد؛ ولی چنین خصیصه‌ای موجب خروج این حق از مالکیت وی نمی‌شود. پس مؤلف نیز مالک حقوق خود است (الدربنی، ۱۴۰۱، ۴۹-۴۸).

رأی ارجح نزد فقها جواز اخذ عوض از سوی مؤلف نسبت به فراورده‌های فکر اوست؛ زیرا پیامبر (ص) اخذ اجرت بر یادگیری قرآن را جایز دانسته است و اگر اخذ اجرت بر قادیگیری قرآن جایز باشد، اخذ عوض در مسائل دیگر مانند تألیف به طریق اولی جایز است و دلیل آن قول پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «بر حق‌ترین چیزی که بخاطر آن اجرت بگیرد، کتاب الله است» (ایروانی، ۱۳۷۴، ۲۲۴). بر این اساس هرگاه در قرآن اخذ اجرت جایز باشد، اخذ عوض در تألیف به طریق اولی جایز است.

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا جایز است مؤلف حق خود را بفروشد؟ در پاسخ باید گفت که حق فروش از جمله مسائل فقهی است که آرای فقیهان در آن بسیار است. تعدد آرا در مسئله حقوق ناشی از مسئله فروش ناشی از اختلاف فقیهان در مقدار مالیت حقوق است که آیا حقوق از اموال است یا خیر؟

در مجموع فقه‌های مذاهب چهارگانه معتقد به دو نوع حق هستند: (الندوی، ۱۳۷۶، ۱۶۱) (۱) حقوقی که از سوی شارع تعیین شده است؛ (۲) حقوقی که

از سوی شارع تعیین نشده است. حق مؤلف از نوع دوم است؛ زیرا این حق برای رفع ضرر از مؤلف جعل نشده است؛ بلکه حق ابتدایی اوست؛ چراکه اگر تلاش فکری و علمی او نبود، کتابی وجود نداشت. پس حق وی در کتاب اصیل و ثابتی است که عوض مالی آن جایز است؛ مخصوصاً پس از اینکه عوض مالی حق مؤلف در تمام جوامع بشری شایع و رایج و عرفی باشد (طهماز، ۱۳۷۶، ۱۷۶). براساس آنچه گفته شد مال دارای مفهومی عرفی است و هر چیزی که دارای ارزش باشد و در آن منفعتی وجود داشته باشد، مال محسوب می‌شود و حقوق مالکیت فکری مال محسوب می‌شود.

۵-۳-۳. مصالح مرسله

مصالح مرسله عبارت است از تشریع حکم برای حوادث واقعه و پدیده‌های نو بر مبنای رأی و مصلحت‌اندیشی در مواردی که به‌عنوان کلی و یا جزئی نصی وارد نشده باشد (جناتی، ۱۳۷۰، ۳۱۸). مصالح مرسله به معنی منفعت‌ها یا دفع ضررهایی که در مورد آن‌ها نص شرعی وجود ندارد، می‌باشد و براساس نظریه مصالح مرسله، وجود مصلحت مزبور، منبع مستقل حکم شرعی به شمار می‌آید. ابداع این نظریه را به امام مالک نسبت داده‌اند (غزالی، ۱۳۸۲، ۱، ۲۸۴؛ آمدی، ۱۴۰۵، ۳، ۲۰۳). اما برخی از علمای اهل سنت نیز آن را رد کرده و منکر اعتبار حکمی که براساس مصلحت صادر می‌شود گردیده‌اند، که از آن جمله می‌توان به باقلانی و ابن حاجب اشاره نمود (آمدی، ۱۴۰۵، ۳، ۲۰۳). البته آمدی در الأحکام، اتفاق فقه‌های شافعی

و حنفی بر عدم اعتبار مصالح مرسله را نقل می‌کند (آمدی، ۱۴۰۵، ۳، ۲۰۳)، در حالی که برخی دیگر مدعی اعتبار احکام مبتنی بر مصالح از سوی شافعیه و حنفی‌ها شده‌اند (شوکانی، ۱۴۱۸، ۲۱۲). برخی برای اعتبار بخشیدن به حق مالکیت معنوی، به این قاعده تمسک کرده‌اند (الزحیلی، ۱۹۸۹، ۳، ۱۱؛ حیدری، ۱۳۶۴، ۳۳۷). در تطبیق قاعده مصالح مرسله بر حقوق مالکیت فکری می‌توان گفت که در حمایت از این حقوق یک مصلحت عمومی مهم وجود دارد که به همه جوامع انسانی برمی‌گردد و آن مصلحت ارزش‌های فکری است که در شئون گوناگون زندگی دارای اثر می‌باشد (الدیننی، ۱۴۰۱، ۸۳-۸۴) و از این جهت، از مصالح رشد علم و صنعت در جامعه شمار می‌آید. در واقع مصلحت مرسله به معنای منفعت معقول است و حمایت از مالکیت معنوی نیز از آنجا که باعث رشد و توسعه علمی و در نتیجه ایجاد خیر و منفعت عمومی ناشی از رشد و توسعه علمی می‌شود در حکم مصلحت مرسله است. این مبنا در میان اهل سنت دلیل متقنی می‌باشد.

۶. نتیجه

هم در بین فقهای امامیه و هم در بین فقهای مذاهب چهارگانه در خصوص مالکیت فکری اختلاف نظر وجود دارد. از دید برخی از فقهای حقوق مالکیت فکری دارای مشروعیت بوده و تصرف دیگران در آن‌ها باید با اجازه صاحبان آثار فکری صورت پذیرد. ادله مشروعیت عبارت‌اند از: بنای عقلا، قاعده سلطه و حرمت تصرف در اموال دیگران

بدون اجازه آن‌ها، قاعده لاضرر و مصالح مرسله. از آنجا که بیان حکم به عهده شارع بوده و تشخیص موضوع با مردم است و مردم حقوق فکری را مال تلقی می‌کنند به استناد قاعده سلطه و حرمت تصرف در اموال دیگران بدون اجازه آن‌ها تصرف دیگران در آثار فکری منوط به اجازه پدیدآورندگان آن‌ها است. مخالفان به ناسازگاری مالکیت فکری با قاعده سلطه استناد می‌کنند که در نقد این دلیل می‌توان گفت حقوق فکری نزد عرف مال محسوب می‌شود و در نتیجه، قاعده سلطه نسبت به آن اعمال خواهد شد. عدم امضای حقوق فکری از سوی شارع دلیل دیگر مخالفان است. بر این اساس، مالکیت معنوی و اعتبار آن از سوی شریعت تأیید نشده است. در رد این دلیل باید گفت علت اینکه در زمان شارع اختراع و ابتکار وجود داشت و در عین حال حقوق مالکیت فکری مطرح نبود، به این دلیل بوده است که در آن دوره آثار فکری و فرهنگی، نشر و گستره محدودی داشت و پدیدآورندگان، توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود را نداشتند، اما امروزه سیره عقلا بر مالیت این حقوق است و با توجه به اینکه حجیت سیره عقلایی، ذاتی است، نیاز به امضای شارع و اتصال آن به زمان شارع ندارد. ناسازگاری حقوق معنوی با رسالت و قداست علم از نظر اسلام دلیل دیگر مخالفان است که در نقد این نظر باید گفت کتمان علم یا کسب درآمد از طریق کارهای علمی، دو چیز کاملاً متفاوت است. آنچه مورد نهی قرار گرفته است، کتمان علم است نه کسب درآمد از طریق فعالیت‌های علمی. در نهایت اینکه پذیرش و خرید و فروش مالکیت فکری

در عرف و ضرورت‌های حمایت از رشد و توسعه علمی در کنار عدم نهی مالکیت فکری از سوی شارع مهم‌ترین دلایل پذیرش این حقوق است.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به‌صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش، تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- آمدی، علی بن محمد، الاحکام فی اصول الاحکام، جلد سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶.
- اصفهانی، شیخ الشریعه، مسأله لاضرر، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۰.
- الدرینی، فتحی، حق الابتکار فی الفقه الاسلامی المقارن، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۱.
- الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی فی اسلوبه الجدید، جلد سوم، دمشق، دار الفکر، ۱۹۸۹.
- الشرتونی، سعید، اقرب الموارد، جلد دوم، بیروت، مکتبه البنان، ۱۹۹۲.
- الندوی، ابوالحسن، بررسی فقهی حق تألیف و حق چاپ، چاپ اول، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۶.
- امام خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱.
- امامی، اسدالله، حقوق مالکیت معنوی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، یک جلدی، تیریز، نشر اطلاعات، ۱۳۷۵.
- انصاری، شیخ مرتضی، رسائل، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۴.
- ایروانی، محمدرضا، «حق ابتکار در فقه اسلامی مقارن»، فصلنامه مفید، شماره چهارم، ۱۳۷۴.
- ایزدی فرد، علی اکبر، محسن زاده، احمدعلی، «انتقال حقوق مالکیت فکری در حوزه ادبی- هنری (حق مؤلف) در فقه امامیه و حقوق ایران»، مجله حقوق پزشکی، شماره سوم، ۱۳۹۳.
- توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقاهه (تقریرات درس سید ابوالقاسم خویی)، جلد سوم، چاپ اول، قم، انتشارات وجدانی، ۱۳۶۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
- جناتی، محمدابراهیم، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران، موسسه کیهان، ۱۳۷۰.
- حسینی روحانی، سید محمد صادق، المسائل المستحدثه، جلد دوم، قم، مکتبه محمدی، ۱۳۸۵.
- حکمت‌نیا، محمود، مبانی نظری مالکیت فکری، چاپ دوم، قم، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- حکیم، سید محمد تقی، اصول العامه للفقه المقارن، قم، المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸.
- حلیمی، عمران، «مبانی فقهی حقوقی مالکیت معنوی از دیدگاه مذاهب اسلامی»، مجله طلوع، شماره شانزدهم، ۱۳۸۴.

- حیدری، سید علی تقی، اصول الاستنباط، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۶۴.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد ششم، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- روحانی، محمدصادق، استفتائات قضاییه و مؤسسه حقوقی وکلای بین المللی، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۲۰.
- سبحانی، جعفر، «بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه»، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره دوم، ۱۳۷۱.
- شاکری، زهرا، جعفرپور، یاسمن، «چالش های حقوق مالکیت فکری برای حمایت از آثار هنری در موزه های معاصر»، مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره هشتاد و سوم، ۱۳۹۹.
- شبیر، محمدعثمان، المعاملات المالیه المعاصره فی الفقه الاسلامی، اردن، دارالفائس، ۱۴۱۸.
- شوکانی، علی بن محمد، ارشاد الفحول الی تحقیق الحق من علم الأصول، قاهره، دار السلام، ۱۴۱۸.
- صافی گلپایگانی، محمدرضا، بلغه الطال (الأول)، قم، چاپ خیام، ۱۳۹۹.
- صدر، سید محمد باقر، اقتصادانا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲.
- صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اشخاص و اموال، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، الخلاف، جلد چهارم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵.
- طهماز، عبدالحمید، حق تألیف، توزیع، نشر، چاپ اول، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۶.
- عربیان، جواد، چشم انداز فقهی و حقوقی حقوق مالکیت های فکری با تأکید بر دیدگاه فقهی امام خمینی (س)، جلد اول، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.
- علم الهدی، شریف مرتضی، الانتصار، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵.
- غاوجی، وهبی سلیمان، حق تألیف، چاپ اول، تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۶.
- غزالی، محمد بن محمد، المستصفی من علم الأصول، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۲.
- فاضل لنکرانی، محمد، «بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه»، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره دوم، ۱۳۷۱.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، جلد سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۹.
- فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، چاپ هفتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.

- مطهری، احمد، مستند تحریر الوسیله، کتاب دیات و مسائل مستحدثه، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۳.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، جلد دوم، چاپ چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات بهزاد دبیر، ۱۳۹۰.
- موسوی بجنوردی، سید محمد، «بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه»، فصلنامه رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره دوم، ۱۳۷۱.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (چاپ و نشر خروج)، ۱۳۷۹.
- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، دار الحکمیة العلمیة، ۱۴۰۸.
- مهرابی، مختار، «ماهیت حقوق مالکیت فکری و نقش آن در حقوق اموال»، مجله مطالعات حقوق، شماره هفتم، ۱۳۹۵.
- میرحسینی، سید حسن، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، قم، انتشارات بصیرتی، ۱۴۰۸.
- یزدانی، عباس، «حق مؤلف در اندیشه فقیهان معاصر امامیه»، فصلنامه کتاب‌های اسلامی، شماره چهارم، ۱۳۸۱.
- یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، حاشیة المکاسب، جلد دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، (چاپ سنگی)، ۱۳۷۸.